

که شرف انسانی اش طاقست سلطه بربریت را نیافت.

جنبش ایرانیان بر آزادی، دموکراسی از نوع مشارکتی و نوین آن وارد مرحله جدیدی شده است. از آنجائیکه صحنه سیاست جهانی دارای بازیگران جدیدی شده، جنگ سردی در میان نیست و سطح آگاهی مردم به مراتب افزون بر افسون انحصارات و همدستان مرتجع آنها در صفوف اسلام سیاسی است، لذا جنبش ما هم اکیداً محتاج چشم‌انداز نوین، فضائی دیگر و طرحی نو است. ما برای فضائی مبارزه می‌کنیم که در آن طبقات اجتماعی مختلف خود را در احزاب سیاسی و به منظور پیش برد منافع خود، سازماندهی می‌کنند. این طبقات مختلف اجتماعی و احزاب وابسته دارای رسانه‌ها و تحقیقات رسانه‌های نوشتاری خود هستند. مبلغ و ژورنالیست و نویسنده خود را دارند. نوشتن برای منافع طبقاتی جرم نیست و لازمه زندگی اجتماعی است. سیامک‌های پورزند برای سمت و سوی منافع و علاقه ذاتی خود می‌نویسند و کسی را برای جلوگیری از فعالیت انسانی او نیست. اگر در چشم‌انداز حداقل خود، چنین فضائی را که مواد منشور جهانی حقوق بشر، اساسنامه موقتی آن است در نظر داریم، لذا احتمالاً احسان‌های دیگری برای ابراز عقیده سیاسی خود اسلحه بدست نخواهند گرفت. سلاح وقتی لازم می‌شود که دشمن مسلحانه بر خانه و کاشانه و کومه محقر تو هجوم آورد. اسلحه زمانی بردوش شهروند کشوری می‌رود که راه دیگری برای تبادل افکار باقی نباشد. هیچ انسان متعادلی نه آرزوی مسلح شدن دارد و نه عشق در حال آماده باش زندگی کردن را. بین که چه بر سر مردم و ناموس انسانی ما می‌آورند که برخی دلاورانه چنین می‌کنند. یاد احسان‌ها را با تمام نظریات سیاسی و مخالف سیامک خان‌ها را بهم پیوند می‌زنیم. نه تنها این دو یاد که انسان‌های حامل نظرات آنها باید در ایران آزاد و آباد از طریق کانال حزبی و سیاسی خود نمایندگی شوند که سیاست همه زندگی نیست. چه بیچاره ملتی که نمی‌تواند از نوای دل‌انگیز ساز زنان و آواز دختران خود بهره‌گیرد. چه تحقیری است برای ملتی که نویسنده‌اش را به اتهام نوشتن در حبس نگهدارند و چیز خورش می‌کنند (سیرجانی) و یا پیکر

بقیه در صفحه ۷۳

ورزشکاران از پیش کسوتان خود همواره با احترام یاد می‌کنند ولی هیئات در دایره روشنفکر نمائی ما ایرانیان. برخی نوشته‌هایش را و دیگران سمت و سوی نگاه وی به جهان و مسائل آن را نمی‌پسندند، لذا به وقت ترور او هم زبان در کام کشیده‌اند. سیامک خان‌ها، پیش کسوت نویسندگان جوان و میانه سال هستند. آنها کاری دیگری جز نوشتن نمی‌دانند و بدین سبب یا محرومیت از نوشتن، پنداری که آنها را به سلول انفرادی انداخته‌ای. سیامک خان پس از قدرت‌گیری حکومت دینی بواقع بیکار و خانه نشین شد. اگر امروز سخن نمی‌گوید، برآمد تمامی آن تحقیرها، توهین‌ها و ناسزاهاست که بچه آخوندی خوش‌بدن ولی بد سابقه مقابلش نشست و توی صورتش در زندان اوین باو تار کرد. اگر سیامک‌ها امروز لب فرو بسته‌اند، بواسطه بازگشت به جلال و جبروت انسانی است که در طول زندگی هرگز دست جلوی کسی دراز نکرده‌اند. پورزندها و امثال وی چون پدران ما دنیا را از پنجره‌ای متفاوت نگریستند. می‌گفتند که چون طرح و نقشه و مصالح ساختمانی آماده نداری، این خانه هرچند پر عیب و ایراد را بر سرمان خراب نکنید. اگر با این استدلال مخالفیم دلیل نمی‌شود که در مقابل احجافی ضد انسانی که علیه او می‌کنند سکوت نماییم. سیامک پورزند، پس از باداشت سال ۱۳۸۰ خورشیدی ناجوانمردانه به ۹ سال زندان محکوم شد و بیکه و تنها در مملکت خود غریب شد. وی در مدت کوتاهی که فرصت کاری پیدا نمود، سریع در مجلات گزارش سینما، فضیلت، شفا و آبادگران فعال شد. این بهار پلاستیکی و زودگذر اصلاحات، اما که با دستگیری وی به اتمام رسید. سیامک خان شکننده‌تر و سالخورده‌تر از تحمل تحقیرهای شبانه روزی اصحاب جنایت و بربریت بود و لذا، لب فرو بست. این آخرین اعتراض زندگی اوست، سیامک خان که به مدت ۳۱ سال همه راه‌های ممکن را برای دوباره نوشتن آزمود. از همراهی اصلاح طلبان تا نصیحت به امثال من که کوتاه بیایند شاید بتوانیم در این سوز و سرمای زمستان پاسداران، امکان نوشتن دوباره بیابیم. سیامک پورزندها عاقبت به عنوان حرفه‌ای لب فرو بست تا جهانیان بدانند که او معترض مبارز، ژورنالیستی صاحب سبک و پدری متعهد بود



مجید پهلوان

تحلیل سیاسی

از احسان فتاحیان تا سیامک پورزند

«سبزه قباها کجا بودند»

سیامک پورزند، اما که اسلحه‌ای آتشین بدست نداشت، عشق و زندگی وی نوشتن بود. او را به اتهام نوشتن، خبررسانی و فعالیت فرهنگی که حق هر انسانی است به اسارت گرفتند. آقای پورزند متولد ۱۳۱۰ است و لب مرز ۸۰ سالگی، او به اعتراض علیه این ستم و سلسله بربریت بنام حکومت دینی و جمهوری اسلامی لب فرو بسته است و افسردگی یا اعتراض، برای وی تفاوتی نمی‌کند. من نمیدانم تا چاپ و پخش این مطب، آقای پورزند در چه حال است، زنده است یا که با زندگی وداع نموده، همین میدانم که همکار من است. سلاحی جز قلم نداشته و جان و روان و جوانی خود را در راه نوشتن گذارده. وی هرگز تک خوری و خست نکرده. هرچه که خواننده و برازنده یافته به اطلاع سایرین نیز رسانده است. تفاوت بین نویسنده و انسان معمولی نیز در همین است که وی نمی‌تواند ننویسد. نوشتن راهی نیست برای زندگی کردن که برای آقای پورزند خود زندگی است. گوئی او با نوشتن نفس کشیده و حال چون نمی‌گذارند بنویسد، پس تو گوئی که سیامک خان که ما می‌شناسیم، دیگر نفس هم نمی‌کشد.

اگر اسلحه بدست گرفتی و مقابله به مثل نمودی، سرنوشتی برای خود رقم زده‌ای که در صورت اسارت، آخرین غروب زندگی خود را از ورای میله‌های زندان نظاره‌گر میشوی. احسان فتاحیان پیشمرگه کومله و انسانی آزاده بود. وی و بسیاری از هم نسلان وی سلاح را نه یک هدف آخرین که لازمه زندگی یک انقلابی میدانند که علیه سلسله جنایت قیام کرده است. احسان‌ها بی‌شمارند و تا ظلم باقی است پیکره آزادی از خود هزاران احسان تحویل دنیای سیاست و مبارزه می‌کند. چون اسلحه بدست گرفتی و به دشمن اعلام جنگ دادی، بر سردوراهی سرنوشت قرار گرفته‌ای. یا شاهد طلوع آزادی و زمین زدن دشمن می‌شود و یا همراه خورشیدی در پایانه یک روز و طلوع روز دگر بردها ازدها می‌روی تا زندگی کردن را به دیگران بیاموزی. دیر و زود دارد و سوخت و سوز خیر. تا دشمن راهی باقی نگذارده تا دهان‌های سرخ در فضائی مدنی اعتراض کنند، احسان‌های دیگری به صحنه می‌آیند.

قابل توجه جویندگان کار خدمات کاریابی رایگان



MARKHAM EMPLOYMENT SERVICES
JOB CONNECT

Are you unemployed and looking for work?
Are you a newcomer to Canada and/or an internationally trained individual trying to find a job that matches your skills?

ما می‌توانیم در یافتن کار و ارزیابی مدارک دانشگاهی به شما کمک کنیم

- One-on-one support and employment counseling is available
- We will connect you directly to jobs
- You may qualify for subsidized employment, transportation and credential assessments

برای مشاوره و اطلاعات بیشتر با شماره

Call: 905.470.9675

تماس حاصل نمایید

Address: 3780 14th Avenue, Unit 110
(Warden & 14th Avenue)



EMPLOYMENT ONTARIO



تولد منجی جهان عیسی
مسیح بر همگان مبارک باد

جشن
 کریسمس
 امسال

پنجشنبه ۲۴ دسامبر

ساعت ۶ بعد از ظهر

به امید دیدار

آدرس: شماره ۷۷۷۵ خیابان یانگ (یانگ و جان)

لطفاً با تلفن ۹۹۶۷-۳۵۶-۴۱۶ تماس حاصل فرمائید

7775 Yonge St. (Yonge & John)

WWW.RUHERASTI.COM

مشعل داران ایرانی در میان برگزیدگان ویژه در کانادا



انتاریو - دوازده هزار مشعل دار به ترتیب و ظرف ۱۰۶ روز مشعل المپیک زمستانی ۲۰۱۰ میلادی را از سراسر خاک کانادا عبور میدهند. مشعل داران برخی بنا به حرفه و تخصص خود و برخی نیز به علت برجستگی در میان جامعه خود و محبوبیت انتخاب می شوند. برای انتخاب شدن جهت حمل مشعل المپیک ضوابط و معیارهای ویژه ای حکم فرماست که کمتر کسی واجد تمام شرائط است. آمادگی فیزیکی یکی از عوامل است ولی محبوبیت، حرفه ای بودن و برنده شدن در رقابت های مقدماتی شرط ورود به گروه مشعل داران المپیک است. امسال و در میان شادی جامعه ایرانی تبار انتاریو، با خبر شدیم که دکتر ندا امانی گلشنی و آذرخش گلشنی دو ایرانی تباری هستند که از میان انبوه شرکت کنندگان در رقابت ها برای محل مشعل المپیک انتخاب شدند.

روز دوشنبه ۱۴ ماه دسامبر در شهر کورن وال هیئت انتخابی انجمن پزشکان شهر شامل ۲۰ پزشک دهنده، مسئولیت حمل مشعل را به عهده داشتند. در میان آنان، لیکن چهره پزشک محبوب شهر دکتر ندا امانی گلشنی برجسته بود. این ایرانی متخصص برآستی روی ما را سپید کرد و میتوان از او به عنوان یکی از مفاخری یاد کرد که نامش در دفترچه ویژه المپیک زمستانی ثبت خواهد شد. دکتر گلشنی از میان ۶۰۰ پزشکی انتخاب شد که همگی در رقابت های حمل مشعل شرکت کرده بودند. آنچه که ایران استار را واداشت تا دست به معرفی این چهره محبوب شهر کورن وال زند، محبوبیت تخصصی و حرفه ای دکتر گلشنی است که اکنون امتیازی ورزشی نیز به آن افزوده می شود.



تصاویری از دکتر ندا امانی گلشنی در مراسم حمل مشعل المپیک



دومین مشعل دار ایرانی و به گفته ای اولین مشعل داری که به تنهایی برای بازیهای المپیک مشعل داری می کند، اما که آذرخش گلشنی است که در شهر اشوا، روز چهارشنبه مشعل المپیک را در مسیر خیابان اصلی شهر حمل نمود.

اگر دکتر ندا گلشنی در هیئت پزشکان شرکت کرد، اما که آذرخش تنها ایرانی تباری است که مشعل دار است و نامش موجب افتخار ما نیز خواهد بود. آذرخش از میان انبوه متقاضیان انتخاب شده است. وی که از حمایت خانواده، دوستان و

همشهری ها برخوردار بود توانست از عهده مسئولیت خطیر خود به خوبی برآید. ساعت ۶ و چهل و پنج دقیقه بعد از نیمروز، مشعل المپیک زمستانی ونکوور بدست آذرخش رسید و وی با شماره ویژه ۱۷۹-OTRO۴۸ که در دفتر المپیک ثبت شده در مسیر مربوطه مشعل دار شد. وی در میان کف زدن ها و شادی جمعیتی که برای تشویق وی به مقابله با هوای زیر صفر به خیابان آمده بودند، به خوبی از عهده مسئولیت خود برآمد. آذرخش گلشنی مشعل المپیک را بین خیابانهای ریچموند غربی تا اتول غربی در مسیر جاده (خیابان) اصلی شهر حمل نمود. ایران استار در تعقیب سیاست دیرین خود در حمایت از جامعه ایرانی تبار، دست به انعکاس خبر ویژه گلشنی ها میزند تا شاید بدین ترتیب، گوشه ای از قدردانی جامعه ایرانی تبار را خدمت خانواده گلشنی برسانیم. سلامت و شادی آن عزیزان را خواستاریم.



بقیه از صفحه ۷۲

عزیزش را غرق گلوله (سلطان پور). برای رهائی از این سلسله عقب ماندگی گویا راهی جز استفاده از سلاح خود نداریم. بیجاست که نویسندگان و هنرمندان بیشتری برای زندگی پورزندها که مخالف سیاسی آنان نیز بود بنویسند که با این عمل گویی برای خود می نویسیم.

احسان فتحیان را اعدام نمودند و صدائی از موج سبز نمای آزادی اسلامی در نیامد. فرزند دلیر کردستان را بدون داشتن حق دفاع و استفاده از موازین جهان شمول قضائی فقط به جرم عدم همکاری و التماس از دژخیمان به قتل رساندند. احسانی که در دادگاه اول به حبس محکوم میشود و چون مجدداً حتی در اسارت از آرمان بشردوستانه خود سوسالیسم دفاع میکند در مرحله استیناف به جای تخفیف محکومیت دادگاه بدوی به اعدام محکوم میشود. او را به قتل رساندند و صدائی از موسوی ها و کروی ها از اسلام سیاسی دو زیست در نیامد. حال نوبت سیامک خان است که حتی دفاع از سیاست نیم بند اصلاحی خاتمی را در پرونده داشت. سیامک خان را زجرکش کردند و در نهمین سال اسارت قلب حساسش طاقت نیاورد و برای اعتراض و افسین علیه تبهکاران لب از سخن گفتن بست. پورزندها را زنده زنده زجرکش می کنند و صدای از سبزه قباها در نمی آید. به یازدهمین سال روز ترور محمد مختاری و جعفر پوینده دو نویسنده و پژوهشگر سترگ رسیدیم. گورستان امام زاده طاهر کرج را از شب قبل محاصره کردند. اجازه بزرگداشت و مراسم کانون نویسندگان و خانواده جان باختگان را هم بر سرگور قربانی ترور اسلام سیاسی ندادند. آنها را متفرق کردند و صدای اعتراض عالم و آدم بلند شد ولی از سبزه قباها و سردمداران آن ها صدائی در نیامد! پنداری که هرچه زمان می گذرد، چشم انداز ایرانیان برای آینده دقیق تر میشود، چشم انداز آزادی بدون اسلام سیاسی.

Shiraz Restaurant
رستوران شیراز

مسلمانان
فرزاد
حسین کلانتری

شب یلدا را همه با هم در رستوران شیراز جشن می گیریم

همراه با
عباسی قادری

21 DECEMBER
& 24 DECEMBER
& 25 DECEMBER
& 26 DECEMBER

Every Friday, Saturday and Sunday
with live music and belly dancing

آهنگ پنداری از چینی دار محبتی داری
فنا با کفتری مجرب و تار آرزومند

Tel : (905) 764-6900 Fax : (905) 764-3055
0185 Yonge Street, Richmond Hill, ON L4C 6Z2

سجاد نجم
با مجوز مشاوره حقوقی
Licensed Paralegal

Tel: 416-795-3425
Fax: 416-658-1400
1030 Sheppard Ave. W., Unit 4
Toronto, ON M3H 6C1
E-mail: Sanajem@gmail.com

Small Claims Court Matters
دادگاه های حقوقی کوچک

کلیه دعاوی شخصی، مسکونی، کارمندی و مدنی
All Personal, residential, employment & other civil litigation

Human Right of Ontario
حقوق انسانی در انتاریو

استخدام، WSIB، ODSP، اقامتی، مسائل دولتی، سازمان های
خصوصی، سن، جنس، و کلیه مسائل مربوط به حقوق انسانی

Landlord & Tenant Board
حقوق مالک و مستاجر

کلیه حقوق مالک و مستاجر، افزایش غیر قانونی اجاره بها
فسخ قرارداد اجاره توسط مالک و مستاجر، ارسال حکم تخلیه از سوی مالک
وسایر موضوعات قانونی مربوط به مالک و مستاجر